

الهیات مسیحی (درس ۳۷)

کلیساشناسی (۲)

اساس کلیسا و روش تاسیس کلیساهای جدید

در جلسه گذشته مبحث کلیساشناسی را با تعریف و تاسیس کلیسا آغاز کردیم امروز در دومین قسمت این بحث، به اساس، روش و تشکیلات کلیسا در عهد جدید خواهیم پرداخت.

پس توجه شما را به رئوس مطالب امروز جلب می کنم:

مطالعه امروز ما در سه بخش، با این عناوین انجام خواهد شد:

بخش اول – اساس کلیسا

بخش دوم – روش تاسیس کلیسا و

بخش سوم – تشکیلات کلیساهای نام دارند

در بخش اول یعنی اساس کلیسا به دو مورد خواهیم پرداخت که شامل:

(۱) کلیسای جهانی

(۲) کلیسای محلی می باشد

سپس به مطالعه بخش دوم تحت عنوان روش تاسیس کلیسا خواهیم پرداخت و

پس از آن بخش سوم را تحت عنوان تشکیلات کلیسا مطالعه خواهیم کرد.

در بخش سوم یعنی تشکیلات کلیسا، سه مورد را بررسی خواهیم کرد، که تحت این عناوین هستند.

۱- عناصر تشکیلات کلیسا

۲- تعریف نقش مسئولین کلیسا

۳- روش اداره کلیسا

پس توجه شما رو به بررسی اولین بخش، تحت عنوان اساس کلیسا جلب می کنم.

بخش اول – اساس کلیسا

در این بخش اساس کلیسا را بر دو مبنای (۱) کلیسای جهانی و (۲) کلیسای محلی بررسی می کنیم. ابتدا به بررسی کلیسای جهانی می پردازیم.

۱- کلیسای جهانی

منظور از جهانی بودن کلیسا این است که کلیسا به خدا تعلق دارد و او آنرا هدایت و رهبری می کند. عیسی به پطرس فرمود:

متی ۱۶:۱۸ و من نیز تو را می گویم که تویی پطرس و بر این صخره کلیسای خود را بنا می کنم. (ترجمه تفسیری)

از این آیه روشن می گردد که کلیسا به خداوند تعلق دارد چون آنرا کلیسای خود می خواند. در اعمال ۲۸:۲۰ نیز می خوانیم که مسیح کلیسا را به خون خود خریده است.

اعمال ۲۸:۲۰ "پس مواظب خودتان باشید و از گله خدایعنی ایماندارانی که مسیح به قیمت خون خود خریده است نگهداری کنید و کلام خدا را به ایشان تعلیم دهید؛ ... (ترجمه تفسیری)

کلیسا، کلیسای عیسی مسیح نام دارد و او راس آن می باشد.

افسیان ۲۳:۵ زیرا شوهر سرپرست زن است، همانطور که مسیح سرپرست کلیساست. به همین علت بود که او جانش را فدا کرد و نجات دهنده کلیسا گردید. (ترجمه تفسیری)

کولسیان ۱:۱۸ او (عیسی مسیح) سر این بدن یعنی کلیساست، کلیسایی که از مجموع مومنین او تشکیل شده است. او نخستین فردی است که پس از مرگ زنده شد و ثابت کرد که در هر چیز مقام نخست را دارد؛ (ترجمه تفسیری)

در کتاب مکاشفه، مسیح به عنوان خداوند کلیساها معرفی می گردد که در میان چراغدان ها قدم می زند و قدرت دارد که کلیسای محلی را تبدیل نماید و اعضا را دادرسی کند. پس کلیسا به عنوان خلقت جدید خدا، بر اساس وجود و اعمال عیسی مسیح قرار دارد.

مکاشفه ۱۲:۱ - ۲۰ هنگامی که برگشتم تا کسی را که با من سخن می گفت ببینم، در پشت سر خود هفت شمعدان طلا دیدم. در میان شمعدانها، مردی دیدم شبیه "پسر انسان" که ردایی بلند بر تن داشت و کمربندی طلایی دور سینه اش بود. سر و موی او سفید بود چون برف و پشم، و چشمانش تیز و نافذ بود همچون شعله های آتش. پاهای او می درخشید، مانند مسی که در آتش صیقل داده باشند. صدای او مثل آبشار، طنین افکن بود. در دست راست او، هفت ستاره بود، و شمشیر دو دم تیزی هم در دهانش قرار داشت. صورت او همچون خورشید نیمروز می درخشید. وقتی چشمم به او افتاد، مانند مرده جلو پای او افتادم. اما او دست راست خود را بر من گذاشت و فرمود: "ترس! من ابتدا و انتها هستم! من زنده بودم و مردم، و حال تا به ابد زنده ام، و کلیدهای مرگ و عالم مردگان را در دست دارم. آنچه را دیدی و آنچه را که نشان خواهم داد، همه را بنویس. معنی هفت ستاره ای که در دست راست من دیدی و همچنین هفت شمعدان طلا اینست: هفت ستاره، رهبران هفت کلیسا هستند، و هفت شمعدان، خود هفت کلیسا می باشند. (ترجمه تفسیری)

مکاشفه ۵:۲ و ۱۶ پس به یاد آور از کجا سقوط کرده‌ای؛ و توبه کن و به جایی که اول بودی، باز گرد. و گرنه خواهیم آمد و شمعدان تو را از میان کلیساها بر خواهیم داشت. ... پس توبه کن و راه و روش خود را تغییر بده؛ و گرنه ناگهان خواهیم آمد و با شمشیر دهانم با آنان خواهیم جنگید. (ترجمه تفسیری)

در متی ۱۸:۱۶ مسیح فرمود که کلیسای خود را بر این صخره بنا خواهد کرد.

در مورد اینکه این صخره کیست یا چیست؟ عقاید مختلفی وجود دارند که در اینجا به چند تای آن اشاره می‌کنم.

نظرات مختلف در تفسیر واژه صخره در متی ۱۸:۱۶

اولین نظر - کلمه صخره، همان پطرس است. مسیح اساس و پایه گذار اصلی است، ولی پطرس شخصی است که مسیح او را مامور تاسیس کلیسا نمود.

دومین نظر - کلمه صخره، به رسولان اشاره می‌نماید و پطرس سخنگوی آنهاست.

سومین نظر - با توجه به آیاتی نظیر رومیان ۹:۳۳، اول قرن‌تینان ۱۰:۴ و اول پطرس ۲:۸، صخره، مستقیماً به خود مسیح اشاره می‌کند (مقایسه شود با متی ۷:۲۴-۲۷).

رومیان ۹:۳۳ خدا نیز در این باره در کتاب آسمانی به ایشان اخطار فرموده و گفته بود: "بر سر راه قوم یهود، سنگی گذارده ام که بسیاری به آن برخوردند، خواهند لغزید. (منظور از سنگ در اینجا، عیسی مسیح است.) اما کسانی که به او ایمان آورند، هرگز پشیمان و شرمسار نخواهند شد." (ترجمه تفسیری)

اول قرن‌تینان ۱۰:۴ آنان آبی را می‌نوشتند که مسیح عطا می‌کرد، زیرا مسیح در واقع همان صخره ای بود که خدا در بیابان از آن برای قوم اسرائیل آب بیرون آورد. (ترجمه تفسیری)

اول پطرس ۲:۸ و همچنین «سنگی است که آنها را می‌لغزاند و صخره‌ای است که روی آن خواهند افتاد.» آری، آنها بر روی کلام خدا می‌افتند، زیرا به آن ایمان نمی‌آوردند. پس سرنوشت آنها همین بود. (ترجمه مژده)

چهارمین نظر - صخره، اشاره ای به اعتراف پطرس به الوهیت مسیح می‌باشد. کلیسای عهد جدید بر اساس اعتراف پطرس در متی ۱۶:۱۶ که گفت: "تویی مسیح پسر خدا" قرار دارد.

همانطور که دیدید این چهار نظر، عقاید مختلفی را در رابطه با مفهوم صخره در متی ۱۸:۱۶ بیان کردند. اما با استناد به چهار دلیل از کلام خدا، در می‌یابیم که مقصود از صخره در این آیه پطرس است.

چهار دلیل مبنی بر این که مفهوم صخره در متی ۱۸:۱۶ پطرس است

اولین دلیل - پطرس لقبی است که عیسی مسیح به شمعون داد و آن به مفهوم صخره می‌باشد. صخره نیز به مانند نور از جمله اسامی عامی است، که در کلام خدا به عیسی مسیح، شاگردان و پیروانش داده شده است. بنابراین هیچ دلیلی ندارد که بخواهیم لقب صخره را در متی ۱۸:۱۶ بطور خاص از آن مسیح بدانیم.

متی ۵:۱۴ شما نور جهان می‌باشید. شما همچون شهری هستید که بر تپه ای بنا شده و در شب می‌درخشد و همه آن را می‌بینند. (ترجمه تفسیری)

یوحنا ۹:۵ من تا وقتی در این جهان هستم، به آن نور می‌بخشم!" (ترجمه تفسیری)

دلیل دوم- از نظر تاریخی پطرس در تاسیس کلیسا نقش داشت. او بود که برای اولین بار پیام خوش انجیل را به یهودیان، سامریان و غیر یهود رساند. (اعمال ۲:۱۴-۴۱)

اعمال ۸:۱۴-۱۷ وقتی رسولان در اورشلیم شنیدند که اهالی سامره پیغام خدا را قبول کرده اند، پطرس و یوحنا را به آنجا فرستادند. وقتی ایشان به سامره رسیدند، برای نوایمانان دعا کردند تا روح القدس را بیابند، زیرا ایشان فقط به نام عیسی خداوند تعمیم گرفته بودند و هنوز روح القدس بر هیچیک از ایشان نازل نشده بود. پس پطرس و یوحنا دستهای خود را بر سر این نوایمانان گذاشتند و ایشان نیز روح القدس را یافتند. (ترجمه تفسیری)

دلیل سوم-

از لحاظ دستور زبان آن دوره لغات یا نامها بصورت مذکر یا مونث بکار برده می شدند، به همین دلیل مسیح در موقع نامیدن پطرس کلمه صخره را به صورت مذکر و کلیسا را به شکل مونث بکار برد. حال عده ایی از این قانون دستور زبان نتیجه می گیرند که صخره و پطرس با یکدیگر تفاوت دارند، در حالیکه اینطور نیست. نامهای پطرس و صخره هم معنی می باشند.

دلیل چهارم- صخره ای که مسیح فرمود کلیسای خود را بر روی آن بنا خواهد کرد همان پطرس رسول به عنوان رهبر و نماینده رسولان می باشد. البته باید در نظر داشت که پذیرفتن پطرس بعنوان صخره، مغایرتی با نقش عیسی مسیح بعنوان پایه و اساس کلیسا ندارد. علاوه بر این، هر شخصی می تواند با اعتراف به الوهیت مسیح جزوی از بدن او که همان کلیساست، باشد.

اول پطرس ۲:۵ و شما نیز مانند سنگهای زنده ای هستید که خانه ای روحانی از شما بنا می شود. (ترجمه تفسیری)

با توجه به آنچه در رابطه با مفهوم صخره در متی ۱۶:۱۸ گفته شد، باید سه نکته را در نظر داشت.

(۱) مسیح کلیسای خود را بنا می کند

(۲) مسیح از ایماندارانی که معترف به الوهیت او هستند، برای بنای کلیسا استفاده می کند.

(۳) عیسی مسیح در ادامه سخنانش در متی ۱۶:۱۹ به پطرس چنین می فرماید:

متی ۱۹:۱۶ من کلیدهای ملکوت خدا را در اختیار تو می گذارم تا هر دری را بر روی زمین ببندی ، در آسمان بسته شود، و هر دری را بگشایی در آسمان نیز گشوده شود.» (ترجمه تفسیری)

از این آیه می توان نتیجه گرفت که خدا اختیار اعلان داوری و پیام نجات بخش انجیل را به پطرس داده است. همچنین برای بیشتر روشن شدن اصطلاح بستن و گشودن درها در آسمان که مسیح در متی ۱۹:۱۶ به آنها اشاره می کند، میتوانیم نگاهی به (متی ۱۸:۱۸، ارمیا ۱:۱۰) داشته باشیم.

متی ۱۸:۱۸ مطمئن باشید که هر چه در زمین ببندید، در آسمان بسته می شود، و هر چه در زمین باز کنید در آسمان هم باز می شود. (ترجمه تفسیری)

ارمیا ۱: ۱۰ از امروز رسالت تو آغاز می‌شود! تو باید به قوم‌ها و حکومت‌ها هشدار دهی و بگویی که من برخی از ایشان را ریشه کن کرده، از بین خواهم برد و برخی دیگر را پا برجا نگاه داشته، تقویت خواهم کرد.» (ترجمه تفسیری)

حال پس از بررسی کلیسای جهانی، به بررسی نکته دوم یعنی کلیسای محلی می‌پردازیم.

۲- کلیسای محلی

کلیسای جهانی و کلیسای محلی که در زمان رسولان یکی بودند، در روز پنطیکاست در اورشلیم، تاسیس شدند. سپس شاگردان با سفرهای بشارتی به مناطق گوناگون رفته، کلیسا های محلی تاسیس می‌کردند. مشخصه این کلیساهای محلی بدین شکل بود که اهالی یک محل با ایمان آوردن به عیسی مسیح به دور یکدیگر جمع شده و پیام انجیل را موعظه می‌کردند.

پولس در مورد کلیسای قرن‌تینان چنین می‌نویسد:

اول قرن‌تینان ۱۰۳-۱۱ با فیضی که خدا به من بخشیده است، همچون معماری ماهر پی‌افکندم و دیگری بر آن پی، ساختمان می‌سازد. اما هر کس باید آگاه باشد که چگونه می‌سازد. زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند جز آن پی که نهاده شده است، پی دیگری بگذارد، و آن پی همانا خود عیسی مسیح است. (ترجمه هزاره نو)

بر اساس این فرمایش پولس رسول، عیسی مسیح باید شالوده و اساس کلیسای محلی باشد که در آن، کلمه خدا، باید معیار ایمان و عمل، و روح خدا اجرا کننده آن باشد. در نتیجه، کسانی می‌توانند عضو کلیسای محلی محسوب شوند که کاملاً به عیسی مسیح بعنوان پسر خدا ایمان داشته باشند.

در اینجا بخش اول یعنی اساس کلیسا را به پایان می‌رسانیم و به بررسی بخش دوم تحت عنوان روش تاسیس کلیسا می‌پردازیم.

بخش دوم - روش تاسیس کلیسا

کلیسا یک موجود زنده است و به همین دلیل نمی‌توان گفت که کلیسا اعم از جهانی یا محلی بودنش بواسطه تلاش‌های انسانی تاسیس شده است بلکه باید گفت که کلیسا بعنوان موجودی زنده، متولد شد.

در عبرانیان ۱۲: ۲۳، به کلیسای نخست زادگان اشاره می‌کند.

عبرانیان ۱۲: ۲۳ شما به کلیسایی قدم گذاشته اید که نام اعضای آن، در آسمان ثبت شده است. شما به حضور خدایی آمده اید که داور همه است؛ به روحهای نجات یافتگانی نزدیک شده اید که در آسمان به مرحله کمال رسیده‌اند. (ترجمه تفسیری)

پس می‌توان نتیجه گرفت که تولد تازه اولین شرط تاسیس کلیسا می‌باشد.

شرط دوم برای تاسیس کلیسا، تعمید روح القدس است.

کلام خدا در رابطه با تعمید روح القدس چنین می‌فرماید:

اول قرن‌تینان ۱۲:۱۳ هر یک از ما عضوی از بدن مسیح می باشیم . بعضی از ما یهودی هستیم و بعضی غیریهودی؛ بعضی غلام هستیم و بعضی آزاد. اما روح القدس همه ما را کنار هم قرار داده و بصورت یک بدن درآورده است. درواقع ما بوسیله یک روح، یعنی روح القدس، در بدن مسیح تعمید گرفته ایم و خدا به همه ما، از همان روح عطا کرده است. (ترجمه تفسیری)

همچنین از کلام خدا در می یابیم که تعمید روح القدس اولین بار در روز پنطیکاست انجام شد.

اعمال ۴:۱ و ۵ در یکی از این دیدارها بود که عیسی به ایشان گفت : "از شهر اورشلیم بیرون نروید بلکه منتظر روح القدس باشید زیرا او همان هدیه ای است که پدرم وعده اش را داده و من نیز در باره اش با شما سخن گفتم. "یحیی شما را با آب تعمید داد ولی تا چند روز دیگر شما با روح القدس تعمید خواهید یافت ."
(ترجمه تفسیری)

اعمال ۱:۲ و ۲ هفت هفته پس از مرگ و زنده شدن مسیح ،روز "پنطیکاست" فرا رسید. به این روز، "عید پنجاهم" می گفتند، یعنی پنجاه روز بعد از عید پسخ . در این روز یهودیان نوبر غله خود را به خانه خدای آوردند. آن روز، وقتی ایمانداران دور هم جمع شده بودند، ناگهان صدایی شبیه صدای وزش باد از آسمان آمد و خانه ای را که در آن جمع بودند، پر کرد. (ترجمه تفسیری)

اعمال ۱۵:۱۱-۱۷ "هنگامی که برای ایشان شروع به صحبت کردم ، روح القدس بر ایشان نازل شد، درست همانطور که اول بر ما نازل شد. آنگاه به یاد سخنان خداوند افتادم که فرمود: یحیی با آب غسل تعمید می داد؛ ولی شما با روح القدس تعمید خواهید یافت. "حال ، اگر خدا به این غیر یهودیان همان هدیه را داد که به ما بخاطر ایمانمان ، عطا فرمود، پس من که هستم که اعتراض کنم." (ترجمه تفسیری)

در مرقس ۸:۱ میخوانیم که فقط خدا می تواند با روح القدس تعمید دهد.

مرقس ۸:۱ من شما را با آب تعمید می دهم ، ولی او شما را به روح القدس تعمید خواهد داد." (ترجمه تفسیری)

علاوه بر این کتاب مقدس می فرماید که فقط خدا می تواند به تعداد اعضای کلیسا اضافه کند.

اعمال ۲:۴۷ و خدا را سپاس می گفتند. اهالی شهر نیز به ایشان احترام می گذاشتند و خدا هر روز عده ای را نجات می داد و به جمع ایشان می افزود. (ترجمه تفسیری)

اعمال ۵:۱۴ در ضمن ، رسولان بطور مرتب برای دعا در خانه خدا، در قسمتی به نام "ایوان سلیمان" جمع می شدند. ایشان در میان مردم معجزات زیاد و حیرت آوری می کردند، (ترجمه تفسیری)

بنا به آیات خوانده شده تمام کسانی که به عیسی مسیح ایمان دارند، در کلیسا، یعنی در بدن مسیح تعمید روح القدس یافته اند.

کلیسای محلی در ابتدا فقط با یک پیوند محبت آمیز، مشارکت در اعتقادات و همکاری ایمانداران و بدون داشتن هیچ تشکیلاتی، تاسیس شد. اما با رشد روز افزون تعداد نجات یافتگان از فرهنگ های مختلف، نیازهای گوناگونی را به همراه آورد که باعث ایجاد تشکیلات در کلیساهای محلی گردید.

در ابتدا فقط کلیسای محلی اورشلیم وجود داشت که جلسات آن، در خانه ها تشکیل می شد. تعداد کل اعضای کلیساهای خانگی اورشلیم با رهبری رسولان به سه هزار نفر و سپس به پنج هزار نفر رسیدند، که خداوند هر روزه بر تعداد آنها می افزود.

اعمال ۲:۴۱ و ۴۷ از کسانی که گفته های او را قبول کردند، تقریباً سه هزار نفر تمعید گرفتند... و خدا هر روز عده ای را نجات می داد و به جمع ایشان می افزود. (ترجمه تفسیری)

اعمال ۴:۴ اما بسیاری از کسانی که پیام ایشان را شنیده بودند، ایمان آوردند و به این ترتیب تعداد ایمانداران به پنج هزار رسید! (ترجمه تفسیری)

اعمال ۵:۱۴ در ضمن ، رسولان بطور مرتب برای دعا در خانه خدا، در قسمتی به نام "ایوان سلیمان" جمع می شدند. ایشان در میان مردم معجزات زیاد و حیرت آوری می کردند، (ترجمه تفسیری)

چندی نگذشت که کلیساهای محلی دیگری از جمله کلیسای یهودیه و سامره تاسیس گردیدند. این کلیساهای، شبیه کلیسای اورشلیم بودند.

پولس به تیطس در این رابطه می فرماید:

تیطس ۱:۵ تو را به این منظور در جزیره "کریت" گذاشتم تا هر چه لازم باشد برای تقویت کلیساهای آنجا انجام دهی؛ همچنین، از تو خواستم که در هر شهر کشیشانی تعیین کنی تا دستوراتی را که به تو داده ام، اجرا کنند. (ترجمه تفسیری)

از این آیه می توان نتیجه گرفت در هر جایی که اجتماعی از ایمانداران وجود دارد، رهبرانی برای آنها تعیین می شد.

اعمال ۱۴:۲۳ سپس در هر کلیسا، مسیحیان باتجربه را بعنوان کشیش تعیین کردند. آنگاه روزه گرفته ، برای ایشان دعا کردند و آنان را بدست خداوندی که به او ایمان داشتند سپردند. (ترجمه تفسیری)

در اینجا بخش دوم یعنی روش تاسیس کلیسا را به پایان می رسانیم و به بررسی بخش سوم تحت عنوان تشکیلات کلیسا می پردازیم.

بخش سوم – تشکیلات کلیسا

از کلام خدا می توان اطلاعات کافی در رابطه با تشکیلات کلیسای اولیه بدست آورد که مطالعه آن تحت این عناوین می باشند:

۱- عناصر تشکیلات کلیسا

۲- تعریف نقش مسئولین کلیسا

۳- روش اداره کلیسا

۱- عناصر تشکیلات کلیسا

عناصر تشکیلات کلیسا شامل این عناوین می باشند.

(۱) مسئولین کلیسا

(۲) زمان تشکیل جلسات کلیسایی

(۳) مقررات کلیسایی

(۴) امور مالی در کلیسا

(۵) معرفی نامه های کلیسایی

لازم است که قبل از بررسی این موارد، به مقدمه ای بر عناصر تشکیل کلیسا اشاره کنم.

از کلام خدا در می یابیم که کلیسای اولیه در اورشلیم با تشکیلات ساده ای رهبری می شد که پس از آن کلیساهای دیگر هم از آن پیروی کردند.

مشخصات تشکیلات ساده در کلیسای اورشلیم از این قرارند.

۱- یگانگی در تعلیم کلیسایی (اعمال ۴۲:۲)

۲- شرکت در جلسات عبادتی کلیسا (مزمور ۱:۱۱۱ و رومیان ۵:۱۶)

۳- شرکت در دعاها و جمعی (مزمور ۱:۱۳۳)

۴- مشارکت روحانی اعضای کلیسا (عبرانیان ۲۵:۱۰)

۵- اجرای مراسم تعمید آب و عشای ربانی (اعمال ۴۲:۲)

۶- رسیدگی به نیازهای مالی اعضا (اعمال ۴۱:۲-۴۶). در ابتدا رسولان مسئولیت کمک به نیازمندان را عهده دار بودند، ولی چندی بعد، هفت نفر دیگر برای این امر انتخاب شدند (اعمال ۱:۶-۶)

۷- مشخص بودن تعداد اعضای کلیسا (اعمال ۴۱:۲ و ۴:۴)

۸- مشخص بودن مکان جلسات کلیسایی: بعنوان مثال در روز پنطیکاست در بالاخانه ای جمع شده بودند (اعمال ۱:۱۳ و ۱:۲). ولی غالباً در منزل یکی از مسیحیان تجمع می کردند (اعمال ۲:۴۶ و ۱۲:۱۲) حتی برخی از جلسات در معبد اورشلیم تشکیل می شد (اعمال ۲:۴۶ و ۱:۳).

تمام این موارد نشان می دهند که در کلیسای اورشلیم تشکیلات مقدماتی وجود داشته است.

حال پس از این مقدمه به اولین مورد از عناصر تشکیلات کلیسایی یعنی مسئولین کلیسایی می پردازیم.

(۱) مسئولین کلیسایی

در کتاب مقدس آیاتی وجود دارند که نشان می دهند، کلیساهای محلی باید با تشکیلات منظمی اداره شوند. به همین منظور پولس و برنابا وقتی از دربه مراجعت می کردند، در هر کلیسا با رای گیری اعضا، کشیشان تعیین کردند. عبارت "تعیین کردند"، که در اعمال ۱۴:۲۳ ذکر شده، در واقع به معنی دست بلند کردن برای رای گیری است.

اعمال ۲۳:۱۴ سپس در هر کلیسا، مسیحیان با تجربه را بعنوان کشیش تعیین کردند. آنگاه روزه گرفته، برای ایشان دعا کردند و آنان را بدست خداوندی که به او ایمان داشتند سپردند. (ترجمه تفسیری)

پولس رسول از تیطس نیز خواست تا کشیشانی تعیین کند.

تیطس ۵:۱ از تو خواستم که در هر شهر کشیشانی تعیین کنی تا دستوراتی را که به تو داده ام، اجرا کنند. (ترجمه تفسیری)

علاوه بر تعیین کشیشان، کلیسای اورشلیم، خادمینی تعیین نمود که کار کمک به محتاجان را سرپرستی نمایند (اعمال ۶:۱-۷).

نتیجه وجود نظم و ضوابط بین اعضای چند هزار نفری کلیساهای اولیه این بود که شاهد حضور مسئولینی چون کشیشان، معلمین، انبیا، اسقفان و شماسان در کلیساهایی از جمله کلیسای افسسیان، فیلیپیان و انطاکیه هستیم.

اعمال ۱۷:۲۰ اما وقتی در میلیتس از کشتی پیاده شدیم، (پولس) برای کشیشان کلیسای افسس پیغام فرستاد که بیایند در کشتی او را ببینند. (ترجمه تفسیری)

اعمال ۱:۱۳ در کلیسای انطاکیه سوریه، تعدادی نپی و معلم وجود داشت (ترجمه تفسیری)

فیلیپیان ۱:۱ پوئس و تیموتائوس، غلامان عیسی مسیح، به همه مقدسین در مسیح عیسی که در فیلیپی می‌باشند، با اسقفان و شماسان. (ترجمه تفسیری)

حال به دومین مورد از عناصر تشکیلات کلیسایی یعنی زمان تشکیل جلسات کلیسایی می پردازیم.

۲) زمان تشکیل جلسات کلیسایی

علاوه بر مسئولین کلیسایی عنصر دیگر در تشکیلات کلیساها زمان جلسات عبادتی است.

از آنجائیکه رستاخیز یا زنده شدن مسیح از مردگان در روز اول هفته یعنی یکشنبه به وقوع پیوست، شاگردانش این روز را برای زمان تشکیل جلسات کلیسایی تعیین کردند (یوحنا ۲۰:۱۹ و ۲۶).

اهمیت روز یکشنبه بعنوان زمان تشکیل جلسات عبادتی کلیسا را می توان در این آیات مشاهده کرد.

پولس در رساله اول خود به قرنطیان چنین می گوید:

اول قرنطیان ۲:۱۶ در نخستین روز هر هفته یعنی یکشنبه، هر یک از شما به نسبت درآمدی که داشته اید، مبلغی را برای این کار کنار بگذارید. برای جمع آوری این مبالغ، منتظر آمدن من نباشید. (ترجمه تفسیری)

پولس در سفر آخر خود به اورشلیم در ترواس توقف نمود و در روز اول هفته با شاگردان ملاقات کرد.

اعمال ۷:۲۰ و در اول هفته، چون شاگردان بجهت شکستن نان جمع شدند و پوئس در فردای آن روز عازم سفر بود، برای ایشان موعظه می کرد و سخن او تا نصف شب طول کشید. (ترجمه کلاسیک)

از آن زمان به بعد، روز یکشنبه، روز خداوند نیز نامیده شد.

مکاشفه ۱:۱۰ روز خداوند بود و من در حال عبادت بودم که روح خدا مرا فرو گرفت. ناگهان از پشت سر خود، صدایی بلند همچون صدای شیپور شنیدم، (ترجمه تفسیری)

حال پس از بررسی زمان تشکیل جلسات عبادتی به مطالعه سومین مورد از عناصر تشکیلات کلیسایی یعنی مقررات آن می پردازیم.

۳) مقررات کلیسایی

مقررات در کلیسای اولیه از همان ابتدا، یکی از ارکان تشکیلات آن بوده است، که توسط رسولان برقرار شد، بطوریکه بعنوان مثال، در اول قرن‌تین ۱۴:۲۶-۴۰ می خوانیم که پولس رسول برای کلیسای قرنتس مقررات و قوانین انضباطی تعیین کرد.

آیاتی که به لزوم وجود مقررات و انضباط در کلیسا اشاره دارند از این قبیلند:

متی ۱۷:۱۸ عیسی فرموده بود که برای حل مشکلات باید به کلیسا رجوع کرد.

اول قرن‌تین ۱۳:۵ پولس از کلیسای قرنتس خواست، اقدام انضباطی بعمل آورد.

دوم قرن‌تین ۲:۶ اشاره به رای اکثریت در امور انضباطی کلیسا دارد.

حال پس از بررسی مقررات کلیسایی به مطالعه چهارمین مورد از عناصر تشکیلات آن یعنی امور مالی در کلیسا می پردازیم.

۴) امور مالی در کلیسا

رشد سریع تعداد اعضای کلیسای اورشلیم باعث بروز بحران مالی آن شد. از این جهت، پولس رسول که با سفرهای بشارتی خود، کلیساهای متعددی خارج از اورشلیم تاسیس کرده بود، از اعضای این کلیساهای، برای رفع نیاز مالی کلیسای اورشلیم تقاضای کمک نمود، چنانکه در نامه ای که از افسس برای قرن‌تین نوشت می گوید:

اول قرن‌تین ۱۶:۱-۲ اما در باره اعانات و هدایایی که در نظر دارید برای مسیحیان اورشلیم بفرستید، می توانید چنین عمل کنید (به کلیساهای ایالت "غلاطیه" نیز همین روش را پیشنهاد کردم): در نخستین روز هر هفته یعنی یکشنبه، هر یک از شما به نسبت درآمدی که داشته اید، مبلغی را برای این کار کنار بگذارید. برای جمع آوری این مبالغ، منتظر آمدن من نباشید. (ترجمه تفسیری)

اما پولس رسول این کمک را نه به صورت یک دستور، بلکه بشکل پیشنهاد تشویق آمیزی بر مبنای توانایی و درجه اشتیاق ایمانداران برای کمک کردن به کلیسای اورشلیم بود.

دوم قرن‌تین ۸:۷-۹ شما در بسیاری از مسایل، از دیگران جلوترید: ایمانتان بیشتر است، سخنرانان بیشتری دارید، معلوماتتان عمیق تر است، اشتیاقاتان برای خدمت بیشتر است و نسبت به ما نیز محبت زیادی دارید. پس می خواهم در این خدمت نیکوکارانه یعنی هدیه دادن نیز، از دیگران جلوتر باشید. این یک دستور نیست و نمی گویم که حتماً این کار را بکنید. بلکه اشتیاق کلیساهای دیگر رانمونه می آورم، تا شما نیز بتوانید نشان دهید که محبتتان واقعی است و فقط حرف نیست. زیرا خود می دانید که خداوند ما عیسی مسیح چقدر بخشنده و مهربان است؛ او با اینکه در آن مقام آسمانی اش ثروتمند بود، برای کمک به شما به این جهان آمد و فقیر شد، تا با فقر خود شما را ثروتمند سازد. (ترجمه تفسیری)

دوم قرن ۹:۷ کسی را مجبور نکنید که بیش از آنچه قلباً در نظر دارد، بدهد بلکه بگذارید همانقدر که مایل است، بدهد زیرا خدا کسی را دوست دارد که از روی میل کمک می کند. (ترجمه تفسیری)

پولس رسول از کلیساهای مکادونیه تقدیر به عمل می آورد که با سخاوت هدیه داده اند

دوم قرن ۸:۱-۵ حال ای ایمانداران، می خواهم شما را آگاه سازم که فیض و لطفی که خدا به کلیساهای مقدونیه عطا فرموده، چه ثمرات خوبی ببار آورده است. ایمانداران مقدونیه با اینکه دچار زحمات شدیدی شده اند، همواره شادند؛ و با اینکه در نهایت تنگدستی بسر می برند، بسیار سخاوتمند و گشاده دست هستند. من خود شاهد هستم که کمکهای ایشان، بیش از حد توانایی شان بود. آنان با تمایل و رضایت کامل، از ما خواستند که کمکهای مالی شان را برای مسیحیان اورشلیم ببریم، تا در شادی کمک به ایمانداران شریک شوند. کاری که آنان انجام دادند، بیش از انتظار ما بود. ایشان در ابتدا قول دادند که خواست خداوند را بجا آورند، و سپس اعلام آمادگی کردند که هر خدمتی از آنان بخواهیم، انجام دهند. (ترجمه تفسیری)

همچنین پولس، اعضای کلیسای قرنتس را تشویق کرد تا از کلیساهای مکادونیه در بخشش هدایای مالی به کلیسای اورشلیم، پیروی کنند. (دوم قرن ۸:۶ - ۹:۵)

بدین طریق کلیساهای غلاطیه، مکادونیه و قرنتس در تلاشی برای جمع آوری هدایا برای نیازمندان یهودیه همکاری کردند.

حال پس از بررسی کمکهای مالی به کلیسا به مطالعه پنجمین مورد از عناصر تشکیلات کلیسایی یعنی معرفی نامه های کلیسایی می پردازیم.

۵) معرفی نامه های کلیسایی

یکی از روشهای توسعه کار خدا در دوره کلیسای اولیه، معرفی مقدسین و خادمین از طریق معرفی نامه های رسمی بین کلیساها بود.

اعمال ۲۴:۱۸-۲۸ در این هنگام، شخصی یهودی به نام آپلس از اسکندریه مصر به افسس رسید. آپلس هم معلم کلام خدا بود و هم یک واعظ برجسته. او در راه خدا تعلیم دیده بود و با حرارت زیاد و با دقت درباره عیسی به دیگران بشارت و تعلیم داده بود. اما او تنها از تعمیم یحیی اطلاع داشت و بس. وقتی پرسکلا و اکیلا موعظه آتشین او را در کنیسه شنیدند، او را نزد خود بردند و راه خدا را دقیقاً به او تعلیم دادند. آپلس در نظر داشت به یونان برود. مسیحیان نیز او را به این سفر تشویق کردند و نامه هایی هم برای مسیحیان یونان نوشتند تا از او به گرمی پذیرایی کنند. وقتی به یونان رسید، خدا بوسیله او مسیحیان آنجا را بی اندازه دلگرم کرد؛ زیرا در حضور همه، تمام استدلال یهودیان را رد می کرد و از کتاب آسمانی دلیل می آورد که عیسی در حقیقت همان مسیح است. (ترجمه تفسیری)

یک مورد دیگر از معرفی نامه های کلیسایی جهت پشتیبانی و حمایت خادمین در کلیساها بود که یک نمونه آنرا در رومیان ۱:۱۶ و ۲ در مورد یک بانوی مسیحی بنام فیبی می خوانیم.

رومیان ۱:۱۶-۲ یک بانوی مسیحی به نام "فیبی" از شهر "کنخریا" بزودی به دیدن شما خواهد آمد. او از خدامان جدی و بسیار فعال کلیسای کنخریا است. او را با احترامی که شایسته مقدسین است، در خداوند

بپذیرید و به هر وسیله ای که می توانید به او کمک کنید، زیرا او به بسیاری، از جمله خود من، در زمان نیاز کمک کرده است. (ترجمه تفسیری)

یکی دیگر از کاربرد معرفی نامه ها، رفع اختلاف نظرهای تعلیمی بین کلیساها بود، چنانکه در اعمال ۲۲:۱۵-۲۹ چنین می خوانیم.

اعمال ۲۹-۲۲:۱۵ پس رسولان و کشیشان کلیسا با تمام اعضای کلیسا رأی دادند که دو نفر را همراه پولس و برنابا به انطاکیه بفرستند تا نتیجه این جلسه را به ایشان اطلاع دهند. این دو نفر یکی یهودا معروف به برسابا بود و دیگری سیلاس. ایشان هر دو از افراد سرشناس کلیسا بودند. متن نامه ای که با خود بردند، از این قرار بود: "ما رسولان، کشیشان کلیسا و برادران اهل اورشلیم به شما برادران غیریهودی اهل انطاکیه، سوریه و قیلیقیه سلام می رسانیم. "از قرار معلوم، بعضی از ایمانداران اینجا آمده، شما را مشوش ساخته و رنجانده اند و بدون دستور ما به شما گفته اند که برای نجات یافتن، باید شریعت یهود را نگاه دارید. پس، ما تصمیم گرفتیم از طرف خود این دو نماینده را همراه عزیزانمان برنابا و پولس نزد شما بفرستیم. نمایندگان ما، یهودا و سیلاس که بخاطر خداوند ما عیسی مسیح هر دو از جان خود گذشته اند، به شما خواهند گفت که نظر ما در باره مشکل شما چیست. "زیرا با هدایت روح القدس صلاح دیدیم که از قوانین یهود باری بر دوش شما نگذاریم. فقط گوشت حیواناتی که برای بتها قربانی می شوند و گوشت حیوانات مردار و خون نخورید و هرگز زنا نکنید. اگر از این چیزها بپرهیزید کار خوبی خواهید کرد. همین و بس." (ترجمه تفسیری)

در اینجا اولین مورد از بخش سوم: تشکیلات کلیسا، تحت عنوان عناصر تشکیلات کلیسا را به پایان میرسانیم و به مطالعه دومین مورد یعنی تعریف نقش مسئولین کلیسا پردازیم.

۲- تعریف نقش مسئولین کلیسا

پرواضح است که هیچ تشکیلاتی بدون مسئولین قادر به ادامه حیات نخواهد بود، به همین دلیل کلیسای اولیه توجه خاصی به نقش مسئولین در کلیسا داشت. در همین راستا کلیسای اولیه فعالیتهای خود را با نقش دو یا احتمالاً سه مسئول آغاز کرد.

این مطلب را از اشاراتی که به مسئولین کلیسایی، مقررات، نحوه انتخاب و شرح وظایف آنها در کلام خدا شده است می توان نتیجه گرفت. در اینجا به شرح نقش چند نمونه از این مسئولین می پردازیم، که اولین آنها شبان یا کشیش کلیسا می باشد.

(۱) شبان یا کشیش و سرپرست

در عهد جدید شبان، پیر، اسقف، کشیش و سرپرست همه دارای یک مسئولیت مشابه هستند. بعنوان مثال در افسسیان ۱۱:۴ چنین میخوانیم.

افسسیان ۱۱:۴ به این ترتیب، او عطایا و استعدادهای خاصی به ما بخشید: به بعضی از ما، عطای خاص یک رسول را داده است؛ به عده ای این عطا را داده است که از خدا پیغام دریافت کنند و آن را به دیگران اعلان نمایند، به برخی استعداد فوق العاده داده است که مردم را بسوی خدا هدایت کنند و به برخی دیگر این توانایی

را داده است که مانند یک شبان، از قوم خدا مراقبت کنند و ایشان را رهبری نمایند و تعلیم دهند. (ترجمه تفسیری)

مسئولین دیگری که در کلام خدا به آن اشاره شده شماسان می باشند.

۲) شماسان

کلمه یونانی دیاکونوس، به معنی خادم، در فارسی "شماس" ترجمه شده است. احتمالا می توان هفت نفری را که در اعمال ۱:۶-۶ برای خدمت به محتاجان انتخاب شدند را جزء اولین خادمین یا شماسان دانست.

نقش اولیه شماسان شامل امور مالی و مادی کلیسا و رفع احتیاج محتاجان بود. البته شماسان علاوه بر خدمات مادی کلیسا در خدمات روحانی هم شرکت داشتند.

قابل توجه است که شماسان باید دارای همان صفات عالی روحانی اسقفان یا کشیشان نیز باشند.

اول تیموتائوس ۸:۳ شماسان که دستیاران کشیش کلیسا هستند، باید مانند او اشخاصی محترم باشند. (ترجمه تفسیری)

زنان نیز در خدمات کلیسایی نقش فعالی داشتند و شماسان زن نمونه های بارز آن می باشند.

۳) شماس زن

شماسان زن در خدمت به بیماران و کمک در انجام اعیاد کلیسایی و تقسیم هدایا اشتغال داشتند.

بعنوان مثال در رومیان ۱:۱۶ فیبی، خادمه، یا شماس زن، خوانده شده است.

رومیان ۱:۱۶ یک بانوی مسیحی به نام "فیبی" از شهر "کنخریا" بزودی به دیدن شما خواهد آمد. او از خادمان جدی و بسیار فعال کلیسای کنخریا است. (ترجمه تفسیری)

در اینجا از بخش سوم یعنی تشکیلات کلیسا به مطالعه سومین مورد آن، تحت عنوان روش اداره کلیسا می پردازیم.

۳- روش اداره کلیسا

اداره کلیسا به روشهای متفاوت انجام می شود که از این قرارند:

۱) اداره کلیسا به روش اسقفی ۲) اداره کلیسا به روش مشایخی ۳) اداره کلیسا به روش جماعتی

۱) اداره کلیسا به روش اسقفی

در روش اسقفی، اداره کلیسا توسط اسقفان یا سرپرستان انجام می گردد. در این روش، مقامات کلیسایی به ترتیب دارای سه رتبه اسقفان، کشیشان و شماسان می باشند.

در روش اسقفی به رابطه اقتدار رسولان و نمایندگان آنان تاکید بسیار می شود، و برای تأیید روش خود از چنین آیاتی استفاده می کنند. از جمله:

تیطس ۵:۱ تو را به این منظور در جزیره "کریت" گذاشتم تا هر چه لازم باشد برای تقویت کلیساهای آنجا انجام دهی؛ همچنین، از تو خواستم که در هر شهر کشیشانی تعیین کنی تا دستوراتی را که به تو داده ام، اجرا کنند. (ترجمه تفسیری)

دومین روش اداره کلیسا به روش مشایخی می باشد.

۲) اداره کلیسا به روش مشایخی

در روش مشایخی، اداره کلیسا توسط مشایخ یا رهبران صورت می گیرد.

در این روش، رهبران کلیسایی به ترتیب شامل: هیئت رهبران یا مشایخ، انجمن منطقه ای، شورای انجمن ها و مجمع عمومی می باشند. مقام روحانی در این روش به عهده شبان و شماسان می باشد که همچنین در هیئت های رهبری کلیسا نقش فعال دارند.

در روش مشایخی به اموری مانند شورای اورشلیم (اعمال ۶:۵) و دستگذاری تیموتائوس (اول تیموتائوس ۱۴:۴) استناد می شود.

اول تیموتائوس ۱۴:۴ زمانی که کشیشان کلیسا بر سر تو دست گذاشتند، خدا از طریق پیامها و نبوتها، عطایای خاصی به تو بخشید؛ از این عطایا به بهترین نحو استفاده کن،

سومین روش اداره کلیسا، روش جماعتی می باشد.

۳) اداره کلیسا به روش جماعتی

در این روش، تمام اختیارات و تصمیم گیری ها به اعضای کلیسای محلی واگذار شده است. دیگر سازمان های خدماتی مسیحی وابسته به کلیسا، فقط نقش مشورتی دارند و تنها در امور بشارتی، آموزشی و نظایر آن با کلیسا همکاری می کنند. در روش جماعتی تاکید بر اداره کلیسا توسط اعضای آن می باشد.

کلیسای جماعتی برای تأیید روش خود به چند نکته که در کلیسای اولیه وجود داشت استناد می کند:

۱- هر کلیسایی مقامات و نمایندگان خود را خودش انتخاب می کرد (اعمال ۶:۱-۶ و ۱۵:۲ و ۳).

۲- هر کلیسایی در اجرای اقدامات انضباطی خودمختار بود (متی ۱۷:۱۸ و ۱۸، اول قرنتیان ۱۳:۵، دوم قرنتیان ۶:۲ دوم تسالونیکیان ۳:۶ و ۱۴ و ۱۵).

۳) اعضای کلیسا به همراه مقامات در اتخاذ تصمیمات شریک بودند (اعمال ۲۲:۱۵)، نمایندگان دیگر کلیساهای را می پذیرفتند (اعمال ۴:۱۵ و ۲۷:۱۸) و نمایندگانی به کلیساهای دیگر می فرستادند (دوم قرنتیان ۱۹:۸)، همچنین برای تاسیس کلیساهای جدید مبشرین اعزام می نمودند (اعمال ۳:۱۳ و ۴ و ۲۶:۱۴).

اعضای کلیسای محلی در تمام کارهای کلیسایی شرکت داشتند و مسئولین کلیسا، با توجه به نظر اعضا خدمت می کردند.

حال با در نظر گرفتن آنچه که از این سه روش دریافتیم می توانیم نتیجه بگیریم که روش اداره کلیسای اولیه آمیخته ای از روش جماعتی و مشایخی بود. بطوریکه اعضای کلیسا، رهبران خود را انتخاب، و آن رهبران با رهنمود و رای اعضا، انجام وظیفه می کردند. در تأیید این مطلب در اعمال ۱:۶-۶ چنین می خوانیم.

اعمال ۱:۶-۶ با افزایش تعداد ایمانداران ، گله و شکایتی در میان ایشان بوجود آمد. کسانی که یونانی زبان بودند، گله داشتند که میان بیوه زنان ایشان و بیوه زنان عبری زبان ، تبعیض قائل می شوند و به اینان به اندازه آنان خوراک نمی دهند. پس ، آن دوازده رسول تمام ایمانداران را جمع کردند و گفتند : “ما باید وقت خود را صرف رساندن پیام خدا به مردم کنیم ، نه صرف رساندن خوراک به این و آن. پس برادران عزیز، از میان خود هفت نفر را انتخاب کنید که پر از حکمت و روح القدس و مورد اعتماد همه باشند تا آنان را مسئول این کار کنیم. ما نیز وقت خود را صرف دعا، موعظه و تعلیم خواهیم نمود.” این پیشنهاد را همه پسندیدند و این اشخاص را انتخاب کردند: استیفان (مردی با ایمانی قوی و پر از روح القدس)، فیلیپ ، پروخروس ، نیکانور، تیمون ، پرمیناس و نیکلائوس اهل انطاکیه . نیکلائوس یک غیریهودی بود که اول یهودی و بعد مسیحی شده بود. این هفت نفر را به رسولان معرفی کردند و رسولان نیز برای ایشان دعا کرده ، دست بر سرشان گذاشتند و برکت دادند. (ترجمه تفسیری)